



## سه اثر عجیب دعا برای غیر

خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست و صدایم را بشنو، هنگامی که تو را صدا می‌زنم؛ به دعایم گوش فرا ده، آن هنگام که تو را می‌خوانم و رو به من فرما، در آن زمان که با تو نجوا می‌کنم. همانا من به سوی تو فرار کرده‌ام و در مقابل تو ایستاده‌ام...

أَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.  
#171&؛اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمَعْ نِدَائِي إِذَا تَدَيْتُكَ وَ اسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا تَجَيَّيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ[1&؛]

خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست و صدایم را بشنو، هنگامی که تو را صدا می‌زنم؛ به دعایم گوش فرا ده، آن هنگام که تو را می‌خوانم و رو به من فرما، در آن زمان که با تو نجوا می‌کنم. همانا من به سوی تو فرار کرده‌ام و در مقابل تو ایستاده‌ام.  
چون ماه مبارک رمضان، ماه سیر معنوی است، لذا در این ماه به دو چیز سفارش شده است؛ یکی تلاوت #171&؛قرآن نازل؛ که کلام الهی است و دیگری دعا که #171&؛قرآن صاعد؛ است و کلام و تقاضاهای عبد به سوی ربّ است. در باب دعا گفتیم که ماثور و غیرماثور دارد. دعای غیرماثور، دارای شرایطی و آدابی است که بحث ما راجع به آن بود. جلسه گذشته بحثمان به اینجا رسید که وقتی انسان برای دیگری دعا کند، برای خودش اثر دارد. بعضی از آثاری را هم که در روایات بود، من مطرح کردم و حتی به این معنا اشاره کردم که دعاهایی برای شخص داعی از آن دعای برای غیر، متولد می‌شود. در آخر جلسه یکی دو روایت را مطرح کردم که راجع به عدد دعاهای متولد شده بود.

## سه اثر عجیب دعا برای غیر

امشب من روایت دیگری را در همین رابطه برای تکمیل این مبحث می‌خوانم و بعد، دو مطلب دارم که باید آنها را مطرح کنم. این روایت غیر از آن روایاتی است که در گذشته اشاره کردم و من می‌خواهم روی آن تکیه کنم. روایت از پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است که حضرت فرمود: #171&؛مَنْ قَالَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ مُؤْمِنٍ حَقَّهُ اللَّهُ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ حَسَنَةً وَ مَحَا عَنْهُ سَيِّئَةً وَ رَفَعَ لَهُ دَرَجَةً[2&؛]. در این روایت آمده که اگر کسی برای مؤمنین و مؤمنات طلب مغفرت کند، خداوند به عدد هر مؤمنی که از هنگام خلقت آدم تا قیامت خلق می‌کند، برای او سه چیز در نظر می‌گیرد؛ برایش حسنه می‌نویسد و از گناهانش می‌کاهد و بر مقامش می‌افزاید.

من این روایت را که خواندم، تعجب کردم. می‌دانید تعجب ما برای چیست؟ چون ما مخلوقیم، محدودیم و تنگ نظریم؛ لذا تعجب می‌کنیم که چگونه اگر یک نفر بگوید: #171&؛اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ؛ به عدد تمام انسان‌های مؤمنی که خدا از زمان حضرت آدم تا به قیامت خلق کرده، خداوند در نامه عمل او به عدد همه آن‌ها حسنه می‌نویسد! تازه این اولین چیزی است که خدا در عوض این دعا به داعی می‌دهد. دوم، #171&؛وَ مَحَا عَنْهُ سَيِّئَةً؛ خداوند به ازای این کاری که کرده، یک گناه هم از او پاک می‌کند و او را از آلودگی معصیت تطهیر می‌کند. سوم، #171&؛وَ رَفَعَ لَهُ دَرَجَةً؛ از آن طرف نسبت به مقامات معنویه، یک درجه او را بالا می‌برد. دعای دیگری این سه اثر را دارد. هم پاداش بسیار دارد، هم تطهیر دارد و هم ترقیع مقام و درجه دارد. بنابر این تأکید بر دعا برای غیر به این جهت است که اثر این دعا برای داعی بیشتر است نسبت به تأثیری که برای مدعو له دارد. تو با این دعا، بیشتر به دست می‌آوری؛ هم از نظر پاداش و حسنه، هم از نظر تطهیر از گناه و هم از نظر مقامات معنویه و ترفیع درجه. این بحثی بود که جلسه گذشته داشتیم و می‌خواستیم این را تکمیل کنیم.

## - تقدم و تأخر در حاجت‌ها

حالا دو مطلب دیگر را می‌خواهم مطرح کنم. اول اینکه انسان که دعا می‌کند و از خدا طلب می‌کند، نسبت به اموری که طلب می‌کند، آیا #171&؛تقدم و تأخر؛ هم باید در نظر گرفته شود یا نه؟ این خودش بحثی است که اول از خدا چه بخواهم؛ با چند مقدمه این سؤال را جواب می‌دهم.

## انواع نیازهای انسان

اولاً این‌که انسان تقاضاهایی را که از غیر می‌کند، در ربط با مایحتاج و آن چیزهایی است که به آن‌ها احتیاج دارد. یعنی آنچه که مورد نیازش هست را درخواست می‌کند. من تا نیازمند نباشم، تقاضا نمی‌کنم. دوم؛ نیازمندی‌های انسان و مایحتاجش به طور کلی، بر دو قسم است؛ نیازهای #171&؛موقت؛ و نیازهای #171&؛دائم؛. اگر بخواهیم این را با واقعیت تطبیق کنیم، باید

بگوییم نیازهای انسان تقسیم می‌شود به &#171;مادی؛ و &#171;معنوی؛. می‌توانیم از آنها به نیازهای &#171;جسمی؛ و &#171;روحي؛ هم تعبیر کنیم.

ما سه نشئه و سه عالم داریم؛ نشئه دنیا، نشئه برزخ، نشئه قیامت. نیازهای مادی نیازهای موقت است و فقط در این نشئه دنیا مورد نیاز است. مثلاً خانه، ماشین، پول و امثال این‌ها، همه اموری است که هر طور حساب کنیم، بعد از مرگ به درد نمی‌خورد. اگر بخواهی این چیزها را با خود به قبر -که همان نشئه برزخ است- ببری، اولاً نشدنی است و ثانیاً به هیچ دردی نمی‌خورد. پس مایحتاج تو در نشئه برزخ و قیامت این چیزها نیست.

### نیازهای مادی، موقت است

لذا اینکه ما می‌گوییم مایحتاج انسان موقت و دائم است، منظور این است؛ نه اینکه کسی گمان کند احتیاج دنیایی و مادی مورد نظر است. نیاز موقت نسبت به امور مادی است و دائم نسبت به امور معنوی است که مربوط به روح است. احتیاجات و لوازم روح، در هر سه نشئه همراه روح خواهد بود. [3] این احتیاجات برای قالب دنیایی انسان یعنی جسم او- است و مخصوص این‌جا است.

### تقدم عقلایی &#171;نیازهای معنوی؛ بر &#171;نیازهای مادی؛

حالا با توجه به این دو مقدمه، از شما سؤال می‌کنم؛ انسان عاقل در موقع دعا و درخواست از خداوند، اول سراغ نیازهای موقت می‌رود یا دائم؟ نیروی خودش را کجا مصرف می‌کند؟ قطعاً سراغ احتیاجات دائم می‌رود، نه آن حوائج موقت. در دعا از نظر تقدم و تأخر، حوائج دائم بر خواسته‌های زود گذر و موقت مقدم هستند. بحث من درباره تقدم و تأخر در تقاضا است. یک انسان عاقل که به این نشئه‌ها اعتقاد دارد دنیا، قبر و قیامت [4]- می‌داند که آن حاجت‌ها و نیازها تقدم دارد. در این مطلب هیچ شکی نیست که امور دائمی معنوی و روحی، مقدم بر امور موقت دنیایی است. لذا این بحث مطرح است که انسان آنچه را که باید در دعاهایش خیلی به آن اهمیت دهد، مایحتاج و نیازهای دائمی او است که در تمام نشئات با او همراه است. آن نیازهای روحانی و معنوی‌اش را باید برطرف کند.

البته این اصلاً با این منافات ندارد که انسان نیازهای مادی و موقتش را هم تقاضا کند. یک وقت اشتباه نکنید! من بحثم راجع به &#171;اهمیت؛ و &#171;تقدم و تأخر؛ است. من بحث کلی کرده‌ام که کسانی که می‌خواهند دعا کنند، دائماً مادیات را نخواهند. نه اینکه مادیات را نخواه! حوائج مادیات را هم از خدا بخواه! در روایت دارد که خدا به حضرت موسی (علیه السلام) فرمود که نمک آشت را هم از من بخواه! همه چیز را از او بخواه ولی این را بدان که آنچه اهم است و باید مقدم شود و نیاز تو به او بیشتر است، امور معنوی و دائمی است که باید در دعاهایت بیشتر مورد نظرت باشد. مایحتاجی را که در تمام نشئات به او احتیاج داری، چه دنیا، چه برزخ، چه قیامت، آن را پیش از هر حاجتی بخواه.

### - تقدم و تأخر در مدعو له

بحث دوم این است که با توجه به این مطالبی که درباره دعا برای غیر گفتیم، آیا باز هم تقدم و تأخری مطرح است یا نه؟ بحث قبلی &#171;تقدم در خواسته‌ها؛ بود؛ این‌جا بحث از &#171;تقدم نسبت به خود و غیر؛ است. اول دیگران را دعا کنم و بعد خودم را، یا اول برای خودم دعا کنم بعد برای دیگران؟

### دو دسته روایت در باب

ما در اینجا دو دسته روایات داریم که جمع کردن بین این‌ها چه بسا ممکن است برای بعضی مشکل باشد. یک دسته از روایات هست که این‌ها به دعا کردن برای غیر ترغیب می‌کند و می‌گوید غیر را بر خودت مقدم بدار! یک دسته از روایات هم هست که می‌بینیم عملاً، خود حضرات معصومین (علیهم السلام) در دعاهایشان اول برای خودشان دعا می‌کنند، بعد برای غیر. حالا کدام یکی از این شیوه‌ها درست است؟ [5]

جلسه گذشته من این روایت را خواندم و امشب فقط اشاره می‌کنم که امام صادق (علیه السلام) فرمود: &#171;كَانَ أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ رَبِّ أَصْلِحْ لِي تَقْسِي [6]؛ پدرم این‌گونه دعا می‌کردند که اول برای خودشان اصلاح نفس را طلب می‌کردند. &#171;فَلِئَلَّا أَهْمُ النَّفْسَ إِلَيَّ؛ حتی جهت آن را هم می‌فرمودند که نزد من بهترین جان‌ها، جان خودم است. خودم را خیلی دوست می‌دارم. اول رفتند سراغ خودشان و بعد فرمودند: &#171;رَبِّ أَصْلِحْ لِي دَرْيَتِي؛ بعد بقیه اهل بیت و جماعت إخوان و... را دعا کردند. یعنی اول خودشان را دعا کردند بعد دیگران را.

از آن طرف ما روایات متعدده داریم که به دعا کردن برای دیگران پیش از دعا برای خود سفارش کرده‌اند. خیلی مفصل است. روایات زیادی هم هست که ترغیب می‌کند اول برای دیگران دعا کن، بعد برای خودت. حالا به کدام یک از این دو دسته روایت باید عمل کرد؟

### تقدم دعا برای خود در امور معنوی

با توجه به آن نکته اولی که من عرض کردم، انسان در ربط با امور معنوی -که برای او اهم امور هست و در تمام نشئات وجودی هم همراه او است- خودش مقدم است. باید در این امور اول برای خودش دعا کند. من می‌خواهم به جهنم نروم، وظیفه من اولاً و بالذات حفظ خودم است؛ اول خودم مطرح هستم بعد دیگری. لذا اینجا اول برای خودم دعا می‌کنم.

تقدم دعا برای غیر در امور مادی

اما نسبت به مسائل مادی، درست قضیه عکس است. اول دیگری را باید دعا کرد، بعد خودم را. اگر کار دنیایی من لنگ است، باشد؛ من برای تو دعا می‌کنم که کار تو راه بیافتد. این‌ها جزء معارف ماست. [7] لذا آن دعایی را که می‌بینید امام صادق (علیه السلام) از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که پدرم این‌طور دعا می‌کرد که [171#&؛](#)أَصْلِحْ لِي تَفْسِي&؛ مرا اصلاح کن! در ارتباط با جنبه معنوی بود.

تقدم دعا برای [171#&؛](#)امور معنوی غیر&؛ نسبت به [171#&؛](#)امور مادی او&؛

اینجا نکته‌ای را هم در باب امور معنوی عرض کنم که چون این امور اهم امور است، لذا انسان باید وقتی که دیگری را دعا می‌کند، اول به امور معنوی او بپردازد و آن‌ها را از خدا بخواهد و بعد حاجات مادی او را طلب کند. بحث در اینجا دیگر موردی است و نسبت به اشخاص و مشکلات مادی و معنوی خاصی که دارند، متفاوت می‌شود. لذا تو هم باید به صورت موردی عمل کنی. اگر طرف مقابل را می‌شناسی و می‌بینی انحراف فکری دارد، برای برطرف شدن انحراف فکری‌اش دعا کن. برایش دعا کن که خدا هدایتش کند. در اینجا برای دنیای او دعا نکن. چه بسا اگر برای امور دنیایی او دعا کنی، این به ضرر او باشد. ممکن است مشکلات تفسانی‌اش بدتر شود و کار خراب‌تر شود. اینجا باید مورد را بررسی کرد و متناسب با آن دعا کرد. آنجا که بحث کردم، مسأله کلی بود. این‌ها را با هم خلط نکنید. اما یک جایی است که من می‌دانم از نظر دنیایی گرفتاری دارد؛ آنجا برای امور دنیایی‌اش دعا می‌کنم. مثلاً اگر مریض است، می‌گویم خدایا شفایش بده! این‌ها موردی است. آن بحث کلی بود. این‌ها را با هم خلط نکنید! تازه! این هم خودش بحثی دارد که در امور معنوی اگر خودم در یک حدی نیستم، نباید بالاتر از آن را برای دیگری بخواهم. چون معنای این کار بی‌توجهی من است که خودم نسبت به امری دائمی و معنوی محتاج هستم، آن‌وقت در عین حال احتیاج و بیچارگی، آن را برای دیگری طلب می‌کنم. پس از نظر معنوی در همان حدی که ساخته شده‌ای و دیگری کمبود دارد، بخواه که کمبود او رفع شود. این خودش یک بحثی است که من فقط اشاره کردم.

الجَارُ ثُمَّ الدَّارَ!

من می‌خواستم این روایت را در آخر کار بخوانم و آن این است که امام حسن (علیه السلام) نقل می‌کند: [171#&؛](#)رَأَيْتُ أُمِّي فَاطِمَةَ قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى انْفَجَرَ عَمُودُ الصُّبْحِ&؛. مادرم فاطمه (سلام‌الله‌علیها) را دیدم که در محرابش ایستاده است و مرتب رکوع و سجود می‌کند، تا اینکه صبح دمید. [171#&؛](#)وَسَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ تَسْتَمِيهِمْ&؛. برای مؤمنین دعا می‌کرد و حتی اسم‌هایشان را هم ذکر می‌کرد. زهرا (سلام‌الله‌علیها) گرفتاری‌هایشان را می‌دانست و برایشان -با نام- دعا می‌کرد و از خدا می‌خواست. [171#&؛](#)وَوَيْلٌ لَكُمْ الدُّعَاءَ لَهُمْ&؛. برای آن‌ها خیلی زیاد دعا کرد. [171#&؛](#)وَوَيْلٌ لَكُمْ لِنَفْسِيهَا&؛. اما برای خودش هیچ دعا نمی‌کرد. [8] [171#&؛](#)فَقُلْتُ يَا أُمًّا&؛. به مادرم عرض کردم مادر جان! [171#&؛](#)لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِبَنِيكَ&؛. چرا همان‌طور که برای دیگران دعا کردی، برای خودت دعا نکردی؟ این جمله معروف از زهرا (سلام‌الله‌علیها) اینجا صادر شد که [171#&؛](#)فَقَالَتْ يَا بَنِي الْجَارِ ثُمَّ الدَّارِ&؛. [9] پسر، اول همسایه بعد خانه! حضرت افراد و مشکلاتشان را می‌شناختند؛ یکی یکی اسمشان را هم می‌بردند. مشکل معنوی داشتند یا مشکل مادی، برای همان دعا می‌کردند. می‌خواستم بگویم این روایت جزء آن روایاتی است که مفادش تقدّم دعا کردن برای دیگران است. با این رفتار خود درس‌هایی به ما دادند؛ ما می‌بینیم که این امر در تمام این خاندان و در تمام مراحل زندگی‌شان سرپا دارد.

پی‌نوشت:

[1]. بحارالأنوار 91 96

[2]. بحارالأنوار 90 391

[3]. چون روح وقتی که بهبرز منتقل می‌شود، یک قالب مثالی پیدا می‌کند و با آن قالب به آن‌جا می‌رود. مایحتاج آن هم همین طور سر جای خودش در آن نشئه وجود می‌یابد. نشئه قیامت هم همین‌طور است. روح وقتی که از نشئه برزخ به قیامت می‌رود، ممکن است که دوباره قالب عوض کند، اما خودش همان [171#&؛](#)خودش&؛ است و تنها قالب را عوض کرده است

[4]. قبری که می‌گویند یعنی برزخ

[5]. من بحثم یک مقدار طلبگی شد؛ خوب است. آن‌هایی که اهل علم هستند، دنبال این حرف‌ها بروند که کدام یکی از این‌ها روش درست دعا کردن است؟

[6]. بحارالأنوار 92 351

[7]. شما این حرف را فکر نمی‌کنم جایی ببینید. چون من ندیدم، چون من خیلی این روایات و دعا و این‌ها را دیدم. بالا و پایین و این طرف، آن طرفش کردم. در امور مادی نباید خود خواه بود. اما در امور معنوی، توجه به خود یعنی خداخواهی که این مطلوب است.

[8]. ببینید این معارف و اعمال اولیای بزرگ خدا را! این‌ها همه برای ما درس است.

[9]. بحارالأنوار 86 313

[10]. بحارالأنوار 45

منبع: پایگاه اطلاع رسانی آية الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی